موضوع: کاربرد علم عرفی و اطمينان آور در اعتقادات

کاربردها و معنای ظن در قرآن کریم

موضوع بحث بررسی اعتبار ظنون خاصه در اعتقادات بود. در این باره ادله مثتین بیان شد و حاصل آن این شد که اگر ظنون خاص را کما کان ظن بدانیم این ادله نمی تواند اعتبار این ظنون را در اعتقادات ثابت کند. اما اگر ظن خاص را علم عرفی بدانیم در این صورت مساله فرق می کند. اکنون به بررسی ادله مخالفین حجیت ظنون خاص در اعتقادات می پردازیم.

عمده دلیلی که در این باره بیان شده آیات ناهیه از ظن است. ابتدا به بررسی معنای ظن در قرآن می پردازیم و سپس این دلیل را مورد ارزیابی قرار می دهیم:

ظن در لغت

ظن در لغت به چند معنا آمده است: یقین، شک، کذب و تهمت.[[1]](#footnote-1) در مورد اینکه کدام یک از این معانی در کلام مورد نظر است باید از قرینه استفاده کرد. قاعده این است که هر گاه لفظی دارای معانی مختلفی باشد، معنای مورد نظر از طریق قرینه آن فهمیده می شود، مگر اینکه معنای شایع داشته باشد که انصراف به آن پیدا کند.

معانی ظن در قرآن کریم

در قرآن کریم ظن به سه معنا به کار رفته است:

1. به معنای علم و یقین که ممدوح است. در موارد زیادی کلمه ظن به این معنا بکار رفته است از جمله:

:: سوره بقره، آیه 46 « الذی یظنون انهم ملاقوا ربهم»

:: سوره بقره، آیه 249 «الذین یظنون انهم ملاقوا الله»

:: به معنای علم شهودی، سوره حاقه، آیه 20 «انی ظننت انی ملاق حسابیه»: علم پیدا کردم که مورد محاسبه قرار می گیرم.

:: سوره کهف، آیه 53 «و رای المجرمون النار و ظنوا انهم مواقعوها»

:: سوره ص، آیه 24 «ظن داود انما فتناه»

:: سوره قیامه «و ظن انه الفراق» که مربوط به لحظات آخر عمر است که برای فرد معاینه صورت می گیرد.

2. به معنای گمان بد بردن. قرآن می فرماید: «الظانین بالله ظن السوء». یعنی نسبت به کسی بد گمان و ظنین بودن و او را متهم کردن.

3. به معنای عقیده باطل و فاسد. منکرین کاربرد ظن در اعتقادات به همین معنا در آیات استناد کرده اند

:: در مورد بی سوادهای یهود؛ سوره بقره، آیه 78 « و منهم امیون لایعلمون ... و انهم الا یظنون» امی یعنی فرد بی سواد، اینان دین و کتاب را نمی شناختند.

:: در مورد دهریون؛ «و ما هی الا حیاتنا الدنیا و ان هم الا یظنون». ظن در این آیه به معنای سخن بدون مستند و دلیل است.

:: در مورد مشرکان «یقول الذین اشرکوا ....». آنان فرافکنی کرده و کارهای نادرست خود را توجیه و به خداوند نسبت داده و اینگونه مشروع جلوه می دادند. قرآن کریم می فرماید: «قل هل عندکم من علم ....»: دلیل علمی شما بر عقیده تان چیست؟ اینان منطقی نداشته و حرف بی دلیل می زنند. راغب اصفهانی در معنای خرص گفته است حرف بی مدرک و دلیل هر چند قائل آن دارای جزم باشد را خرص گویند.

نکته: فرق است میان کسی در راه است اما اشتباه می کند و فردی که اصلا راه انحرافی را طی می کند. کسی که راهی را به خاطر اینکه پدران وی آن را پیموده اند می رود، اصل راهش اشتباه است، اما کسی که گرفتار جهل مرکب شده است در راه قرار دارد اما اشتباه می کند . به همین خاطر است که جهل مرکب در پیمودن راه خود معذور است.

به این آیات اگر دقت شود بدست می آید که قرآن کریم در صدد بیان ریشه مذمت ظن است و آن را ناشی از سه امر می داند: عدم شناخت حق، خرص و سخن بدون دلیل و منطق و سوم متابعت از هوای نفس.

د) در مورد کافران؛ سوره یونس، آیه 36: «و ما یتبع اکثرهم الا ظنا».

ه) در مورد منکران معاد؛ سوره نجم آیه 27 و 28 «لیسمون الملائکه .... و ما لهم من علم» . و در آیه 116 سوره انعام می فرماید: «و ان تطع اکثر من فی الارض». برخی مفسرین گفته اند مراد از «اکثر من فی الارض» مشرکان هستند، و برخی گفته اند: مراد از ارض، سرزمین مکه و حجاز است .

مرحوم فیض در تفسیر صافی در این باره علت عدم صلاحیت پیروی از اکثریت می فرماید «لان الاکثر فی الغالب یتعون الاهواء» آنان تبعیت از ظن یعنی تبعیت از هوای نفس می کند نه از دلیل و منطق. انحراف آنان در این بود که راه آباء خود را حق می دانستند.[[2]](#footnote-2) وی در مورد آیه 48 سوره انعام می فرماید قرآن دلیلی را توصیه کرده است که احتجاج به آن صحیح باشد[[3]](#footnote-3). همچنین درباره 78 سوره بقره می فرماید: مراد نهی از تقلید از روسای آنها بوده در حالی که این تقلید برای آنها حرام بوده است . فردی از امام صادق (ع) سوال کرد: چگونه شما ما را به علمای شیعه مراجعه می دهید در حالی که قرآن برای یهودیان پیروی از عالمانشان را نهی کرده است. امام (ع) فرمود: این قیاسی که بیان کردی مع الفارق است. علمای یهود حقایق را تحریف کرده و آنها را به مردم نمی گفتد. اما مراد ما از عالمان شیعه، فقهایی است که چهار ویژگی داشته باشد: «صَائِناً لِنَفْسِهِ، حَافِظاً لِدِينِهِ، مُخَالِفاً لِهَوَاهُ، مُطِيعاً لِأَمْرِ مَوْلَاه‏» . کسانی که این گونه بودند بر مردم است که از آنان تقلید کنند. امام (ع) سپس فرمود البته همه علمای شیعه این گونه نیست و توصیه ما نیز تقلید و تبعیت از همه آنها نیست .

نکته: عالمان دینی شیعه در میان عالمان دیگر درخشیده اند و دلیل آن نیز آن است که افراد اوتاد و کسانی که لیاقت تشرف به محضر امام عصر (عج) را داشتند در میان آنها بیشتر بوده است به همین خاطر دشمن می داند که از کجا ضربه می خورد و استخوان در گلو کجا است. یکی از کارشناس مهم آنان گفته بود تا در میان شیعیان سه چیز وجود داشته باشد تسلط بر آنها ممکن نیست: مساله ولایت و غدیر، مساله عاشورا و شهادت و مساله انتظار مهدی موعود (عج).

ادامه بحث انشاء الله در جلسه آینده دنبال می شود.

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد

کافی = /http://lib.eshia.ir/11005/2/255

بحار= http://lib.eshia.ir/71860/13/100/

المیزان = /http://lib.eshia.ir/12016/19/100

نهج البلاغه: http://lib.eshia.ir/10419/1/335/

المراجعات = http://lib.eshia.ir/72035/1/82

المراجعات، علامه شرف الدین، ص، ط: المجمع العالمی لاهل بیت (ع)

سوره بقره، آیه 14.

سوره بقره، آیه 14 و 15.

سوره بقره، آیه 14 تا 16.

1. المفردات، ص 301 [↑](#footnote-ref-1)
2. تفسیر صافی، مرحوم فیض، ج3، ص 89 [↑](#footnote-ref-2)
3. تفسیر صافی، مرحوم فیض، ج3، ص 120 [↑](#footnote-ref-3)